

۱۶۱/۲	تعداد واحد: ۳	کد: ۳۳	نام درس: انگلیسی ۳
	هم نیاز: ندارد	کد: ۲۳	پیش نیاز: انگلیسی ۲

الف - منابع مطالعه

- ۱ - کتاب **The New Garden**، تألیف جناب هوشمند فتح اعظم، چاپ مؤسسه مطبوعات بهایی هند - دهلی نو، ۱۹۷۰ / (ارسال می گردد)
- ۲ - جزوه درسی / (ارسال می گردد)

ب - ضمائم

ندارد

ج - ارزشیابی

۱ - امتحانات

- ماهانه اول: (هفته چهارم / ۱۰ نمره)
 - میان ترم: (هفته نهم / ۳۵ نمره)
 - ماهانه دوم: (هفته سیزدهم / ۱۰ نمره)
 - پایان ترم: (هفته هجدهم / ۴۵ نمره)
- ۲ - تکلیف:

ندارد

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱	۱ - شناسنامه درس
۲	۲ - فهرست مندرجات
۳	۳ - برنامه مطالعه هفتگی
۳	۴ - مقدمه
۳	۵ - اهداف
۴	۶ - نمایه ارتباط درس
۴	۷ - معرفی منبع درس
۵	۸ - روش مطالعه
۷	۹ - ارزشیابی
۷	۱۰ - glossary the New Garden

برنامه مطالعه هفتگی

صفحات کتاب New Gardon	هفته	صفحات کتاب New Gardon	هفته
۹۷-۱۱۰	دهم	۱-۸	اول
۱۱۰-۱۲۲	یازدهم	۹-۲۱	دوم
۱۲۲-۱۳۳	دوازدهم	۲۱-۳۴	سوم
۱۳۳-۱۴۲	سیزدهم	۳۴-۴۸	چهارم
□ امتحان ماهانه دوم		□ امتحان ماهانه اول	
۱۴۵-۱۵۴	چهاردهم	۴۸-۵۳	پنجم
۱۵۴-۱۶۲	پانزدهم	۵۷-۶۷	ششم
۱۶۲-۱۷۱	شانزدهم	۶۸-۸۱	هفتم
مرور مطالب	هفدهم	۸۱-۹۱	هشتم
● امتحان پایان ترم	هجدهم	● امتحان میان ترم	نهم

مقدمه

بیت العدل اعظم در پیام منیع ۱۹۹۰ خطاب به دانشجویان معارف عالی می فرمایند: «... خود را آماده نمایند که در تأسیس مدنیت جهانی در ظل پرچم امرالله شرکت کنند. ان شاءالله وقتش خواهد رسید که از خرمن معارفی که تحصیل کرده اند به دیگران نصیب وافر بخشند و در میدانهای بین المللی در عبودیت جمال ابهی موفق گردند...»

برای رسیدن به اهداف فوق یادگیری زبان انگلیسی که یکی از زبانهای زنده دنیاست ضروری می باشد. دانشجویان عزیز در انگلیسی عمومی ۱ و ۲ اصول اساسی انگلیسی را آموخته اند و حال امید است با گذراندن انگلیسی امری (انگلیسی ۳ و ۴) هر چه بیشتر با اصطلاحات انگلیسی امری آشنا بشوند و بتوانند آن را برای تبلیغ امرالله به کار ببرند.

اهداف

هدف کلی: فهم متون امری انگلیسی و درک مطالب آنها جهت استفاده هر چه بهتر از آثار امری به زبان انگلیسی

اهداف رفتاری:

- پس از اتمام این درس دانشجو قادر خواهد بود:
- ۱ - مشتقات مختلف لغات را با توجه به ریشه‌های آنان (عطف به دروس ۱ و ۲ انگلیسی) به کار برد.
 - ۲ - اصطلاحات امری انگلیسی و معادل فارسی آنان را از حفظ بنویسد.
 - ۳ - متون امری را در حد خوانده شده مطالعه کند و مطالب آنها را درک کند.
 - ۴ - نصوص مشخص شده را از حفظ بنویسد.

نمایه ارتباط درس

انگلیسی ۴		
مطالعه آثار ۵	انگلیسی ۳	دروس تعالیم اجتماعی
	انگلیسی ۲	
	انگلیسی ۱	

- ۱ - انگلیسی ۴ که متون امری انگلیسی است بر مبنای این درس است.
- ۲ - دروسی مثل مطالعه آثار ۵ که نصوص انگلیسی دارند از این درس استفاده می‌نمایند.
- ۳ - جهت تعمق بیشتر در دروس تعالیم اجتماعی و مراجعه به منابع جانبی و اصل دستخطها مورد استفاده است.

معرفی منبع درس

کتاب **The New Garden** تألیف شده توسط جناب هوشمند فتح اعظم که جهت این درس در نظر گرفته شده در ابتدا جهت ایقاز توده‌های مردم هند و آشنایی آنان با امر مبارک تهیه شده و در طی فصولی چند با زبانی نسبتاً ساده و ضمن استفاده از نصوص امری، اصول امری و نظم اداری و قوانین و تاریخ امر را مطرح نموده و ضمن اینکه در افزایش دانش انگلیسی امری شما مؤثر است، الگوی مناسبی جهت معرفی امر الله هم به دست می‌دهد. خاصه که به صورت دروس امری در مؤسسه امری **Indore** قبلاً مطرح شده و مورد آزمون واقع گردیده است.

روش مطالعه

سه واحد درس زبان انگلیسی ۳ در این ترم برای تقریباً ۶ ساعت برنامه‌ریزی هفتگی در نظر گرفته شده است. گرچه سرعت یادگیری افراد بسیار متفاوت می‌باشد، بهترین روش مطالعه درس، خواندن مستمر و تدریجی مطالب بر اساس زمانبندیهای هفتگی مطالعاتی می‌باشد. لذا:

۱ - ابتدا درس هفتگی را به صورت اجمالی مطالعه نمایید تا با مطلب آشنا شوید.
۲ - سعی کنید با استفاده از متن (context) با توجه به آنچه که در انگلیسی ۱ و ۲ فرا گرفته‌اید معنی لغاتی را که نمی‌دانید حدس بزنید.
۳ - معانی لغاتی را که پسوند یا پیشوند دارند با توجه به مطالبی که در انگلیسی ۱ و ۲ فرا گرفته‌اید حدس بزنید.

۴ - چنانچه با توجه به دوروش فوق نتوانستید معنی کلمه را متوجه شوید به راهنما مراجعه کنید.

۵ - معنی لغات جدید را با نوشتن و تکرار کردن یاد بگیرید و از بر کنید.

۶ - مجدداً متن را بخوانید و دقت کنید که این لغات در متن چگونه به کار رفته‌اند. یاد گرفتن معانی لغات با توجه به متن باعث می‌شود که بهتر در ذهن باقی بماند و بعداً از آنها راحت‌تر در مطالعات خود استفاده کنید.

حتی‌الامکان سعی نمایید مطالب را بطور مستمر و تدریجی مطالعه نموده و از روی هم انباشته نمودن و مطالعه فشرده مطالب جداً پرهیزید زیرا در حالت اخیر مطالب فرا گرفته شده بسرعت از خاطر محو خواهند شد. اصطلاحات امری را دقت کنید که بخوبی فراگیرید علی‌الخصوص اصطلاحاتی که به صورت چند کلمه است باید با هم فرا گرفته شود مانند: **Removal of Prejudice** (ترک تعصبات) تا براحتی بتوانید از آنها استفاده کنید. چنانچه ممکن است اصطلاحات امری و معادل آنها را در دفترچه جداگانه‌ای یادداشت بفرمایید. سعی نمایید نصوصی که اصل آن را به زبان فارسی دارید حتماً با هم مطابقت کنید تا معادلهای دقیق را متوجه شوید و آنها را بخاطر بسپارید.

طرز مطالعه نصوص:

در مطالعه نصوص به زبان انگلیسی موجود در کتاب توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱ - حضرت ولی امرالله در ترجمه آثار طلعات مقدسه به زبان انگلیسی از سبک مربوط به قرون ۱۷ و ۱۸ که در ترجمه کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) به کار رفته استفاده نموده‌اند. این روش بعدها توسط دارالانشاء بیت العدل اعظم دنیال شده است.

۲ - این سبک در مواردی از نظر لغت و گرامر با انگلیسی امروزه متفاوت است، که چند مورد آن ذیلاً متذکر می‌گردد:

الف) در این سبک برای ضمیر دوم شخص مفرد فاعلی "Thou" و ضمیر مفعولی و مضاف الیهی

"Thy" ضمیر الملكية و "Thine" ضمیر الملكية و "Theirs" ضمیر الملكية می گردد.

ب) در صرف افعال در حالت دوم شخص مفرد به آخر فعل "t" یا "st" یا "est" اضافه می شود. مثل: **didst - art - wouldst - wert - dost - wilt - wouldest**

ج) در صرف فعل در حالت سوم شخص مفرد به آخر فعل "th" یا "eth" اضافه می شود مثل: **doth** یا **doeth** یا **cometh**.

د) در فعل نهي به آخر فعل امر **not** اضافه می شود و از **don't** استفاده نمی گردد مثل: دم مزن - لا تنفس **don't breath** بجای **breath not**.

ه) در فعل نفی نیز گاهی اوقات فعل کمکی حذف می گردد مثل:

The wise are they who speak not until they obtain a hearing.

(حکمای عباد آنانند که تا سمع نیابند لب نگشایند.) بجای **(Who don't speak)**.

و) گاهی اوقات از ضمائر ملكی بجای صفت ملكی استفاده می شود مثل: (بخششت) **Thy bounty** بجای **Thine bounty**.

ز) ضمائر و بعضی کلمات راجع به ذات الهی و مظاهر مقدسه با حروف بزرگ شروع می شوند.

hast	ح) دوم شخص مفرد از فعل have در زمان حال ساده
hath	سوم شخص مفرد از فعل have در زمان حال ساده
wast	دوم شخص مفرد از فعل was
canst	دوم شخص مفرد از can
art (= are)	دوم شخص مفرد از be زمان حال

توصیه برای مطالعه

برای این درس تکلیفی که برای مرکز ارسال شود در نظر گرفته نشده ولی برای آنکه این درس به شما کمک کند که بتوانید از آن در میادین بین المللی استفاده کنید مستلزم آن است که بعد از حفظ کردن لغات جدید هر بخش متن مورد نظر را بخوانید و ببینید که این کلمات چگونه در جملات به کار رفته است و متن را برای خودتان معنی کنید. این عمل به شما کمک می کند که لغات جدید بهتر در ذهنتان جای بگیرد و بتواند در آینده راحت تر مورد استفاده قرار بگیرد. علاوه بر این چون لغات را در متن یاد گرفته شده در هنگام امتحان که سؤالات در جمله داده خواهد شد انتخاب جواب صحیح آسانتر خواهد بود.

ادبیات

۱ - امتحانات این درس در مقاطع ذیل انجام خواهد شد:

ماهانه اول: (هفته چهارم - ۱۰ نمره)

میان ترم: (هفته نهم - ۳۵ نمره)

ماهانه دوم: (هفته سیزدهم - ۱۰ نمره)

پایان ترم: (هفته هجدهم - ۴۵ نمره)

۲ - سوالات امتحانی مانند انگلیسی ۱ و ۲ به صورت معادل یابی، جای خالی پر کردن و درک مطلب خواهد بود که متن آن داده خواهد شد. دانشجویان هر چه بیشتر لغات را از بر کنند و متن را بخوانند در امتحان موفق تر خواهند شد.

Glossary

The New Garden

قسمت اول - تا مقطع میان ترم

God and His Religion

The Purpose of Our Lives

shrub	بوته	to compare	مقایسه کردن
creeper	خزنده	untamed	غیر اهلی
haphazardly	بطور تصادفی	geometrical	هندسی
crescent	هلال ماه	to abandon	وا گذاشتن - ترک کردن
creation	خلق - خلق	sheild	سپر
Manifestation	مظهر ظهور	to worship	عبادت کردن - پرستیدن
to testify	شهادت دادن	I bear witness	آشهاد - شهادت می دهم

to recite	تلاوت کردن	poverty	فقر
		vibrant	مرتعش

How to Know God

ray	اشعه - پرتو	to bear	تحمل کردن
immeasurably	برتر از قیاس	the Omnipotent	قادر مطلق
effort	مجاهدت - تلاش	Unknowable essence	ذات لایدرک
mean	وسیله	glory	عزت
court	محضر	deny	انکار کردن
sanctified	مقدس - مطهر	token	علامت
realm	اقلیم - عالم	identical	مشابه
evidences	شواهد	amidst	در میان
		whoso	هر کس

The Love of God

veiled	مستور شدن	everlasting	جاودان - سرمدی
to engrave	نشانیدن	eternity	ازلیت - ابدیت
resuscitate	احیا کردن	to forfeit	محروم ساختن
sacrifice	جانفشانی - ایثار	ordeal	امتحان
radiant	لامع	illumination	نورانیت
sole	تنها	to forsake	ترک کردن
fervently	مشتاقانه	intimate	صمیمی
to prompt	برانگیختن	despise	حقیر شمردن
accord	سازش	heaven	آسمان

Oneness of Religion

root	ریشه	seed	بذر - دانه
horizon	افق	stem	ساقه
ignorance	جهالت	imitation	تقلید
equal	مساوی	bewildered	حیران

designation	خصوصیت - نام	sequence	توالی
conceive	تصوّر کردن	attribute	خصوصیت
sundry	مختلف	allusion	کنایه - اشاره
Throne	عرش - اریکه	to assure	مطمئن کردن
to apprehend	دریافتن	to discriminate	فرق قائل شدن
to repudiate	انکار کردن	pertaineth	مربوط کردن
		to betray	خیانت کردن

Religion Repeats Itself

zenith	نقطه اوج	abundance	وفور
to be veiled	پنهان شدن	dispel	رفع کردن - برطرف کردن
sage	افراد دانا و حکیم	to pervade	نفوذ کردن
countenance	وجه	slumber	خواب
		unbiased	بدون تعصب

Progressive Religions

to perish	فاسد شدن - مُردن	decay	پوسیدگی
capacity	ظرفیت	divergent	منشعب - مختلف
evolutionary	تکاملی	wise	عاقل
to praise	ستایش کردن	in turn	در عوض
eternal	ابدی	foundation	پایه - اساس
glad tidings	بشارت	Mouth-piece	فم - دهان

Manifestations of God

Krishna

victorious	پیروز	miraculously	بطور معجزه آسا
deluded	فریبکاران	alas	افسوس
clad	ملبّس - پوشانده شده	despise	تحقیر کردن
transfigure	تغییر شکل دادن	disciple	حواری
charioteer	درشکه چی	grandeur	عظمت

aharia	تشیب	to surrender	تسلیم کردن
destruction	تخریب	civilization	تمدن
		wicked	ابدی

Buddha

comfort	آسایش	royal	اشرافی
greed	حرص - آز	enlightenment	نورانیت
salvation	نجاح - رستگاری	to tempt	وسوسه کردن
outcast	مطرود و منفور	caste	قبیله
mortals	بشر	auspicious	خجسته - فرخنده
climax	منتهی درجه	preach	اعلام داشتن

Moses

to be destined	معین و مقدر بودن	slave	برده
to prevent	منع کردن	to be bestowed	دارا بودن
to summarise	خلاصه کردن	to derive	اقتباس کردن
to steal	دزدیدن	to obey	اطاعت کردن
humiliation	حقارت	Lord of Hosts	رب الجنود

Jesus Christ

priest	کشیش - روحانی	to imitate	تقلید کردن
pilgrimage	زیارت	carpenter	نجار
jealous	حسود	reverence	حرمت - احترام
threat	تهدید	to crucify	صلیب کشیدن
onslaught	حمله	sword	شمشیر

Mohammad

savage	وحشی	climate	آب و هوا
inspiration	وحی - الهام	tribe	قبیله
idole	بت	verse	آیه

to tolerate	تحمل کردن	to ridicule	تسخیر کردن
warefare	جنگ	to persecute	شکنجه کردن
to crumble	فروریختن	to array	صف آرایی کردن
virtue	تقوی	to prescribe	دستور دادن
		submission	تعلیم - خضوع

The Bab

maternal	مادری	descendant	سلاله
martyr	شهید	spot	نقطه - محل
to scatter	پراکنده شدن	tradition	سنت
fasting	روزه	pious	متقی
sacred	مقدس	proof	اثبات
calender	تقویم	era	عصر - دوره
square	میدان	execution	اعدام
to entreat	التماس کردن	to weep	گریه کردن
to riddle	مشبک کردن	firing squad	جرقه آتش
to beseech	التماس کردن	to be scarred	زخمی شدن
Him Whom God shall make manifest			مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ

Baha'u'llah

cherished	گرامی	to be acclaimed	نوید داده شده
destiny	سرنوشت	royal court	دربار
gifted	با استعداد	to occupy	اشغال کردن
affairs	امور	intention	قصد
whip	شلاق	minister	وزیر
bleeding	خونریزی	sole	کف پا
criminals	جنایتکاران	dungeon	سیاه چال
fetter	قید	suffering	درد و رنج
bigotry	تعصب	prejudice	تعصب
ancestral	اجدادی	enmity	دشمنی

luxurious	تجملی	destination	مقصد
denounce	متهم کردن	fame	شهرت
plotting	توطئه	servitude	بندگی
inherent	متصل	secluded	منزوی
absence	غیبت	to be bestowed	دارا بودن - مورد عنایت بودن
cell	سلول	treacheries	خیانتکار
rassals	رعیت	to be surrounded	محاصره شدن
banner	پرچم	to raise	برافراشتن - مرتفع کردن
victorious	پیروز	banner	پرچم
fortress	قلعه	to influence	تحت تأثیر قرار دادن
ocean	اقیانوس	to be fortold	پیش بینی شدن
to merge	یکی شدن - ممزوج شدن	to irrigate	آبیاری کردن
		indeed	در واقع

Covenant

Abdu'l-Baha

Edifice	عمارت	to draft	طرح کردن
construction	ساخت	to erect	برپا کردن
covenant	عهد و میثاق	to collapse	فروریختن
willingly	مشتاقانه	guidance	راهنمایی - هدایت
to consist	شامل شدن	spiritual	روحانی
perfection	کمال	limited	محدود
to announce	اعلام کردن	to illumine	روشن کردن
to appoint	منسوب کردن	will	وصیتنامه
unique	منحصر بفرد	interpreter	مفسر - مبین
disunity	تفرق	founder	پایه گذار - مؤسس
to preserve	حفظ کردن	document	سند
leadership	رهبری	claim	ادعا
withered	فاسد - خراب	effort	تلاش
to investigate	تحقیق کردن	to poison	مسموم کردن

corrupt	رشوه‌خوار - فاسد	to bribe	رشوه دادن
precious	نفیس - گرانبها	tablets	الواح
to hang	دار زدن	scanty	کم پول
to flee	فرار کردن	anxiety	هیجان - دلهره
humility	حقارت	incarceration	مسجونیت
adversity	فلاکت	identical	مشابه
disgrace	رسوایی	to be frustrated	خسته شدن - درماندن
graciously	از روی لطف	to request	درخواست کردن
fever	تب	lecture	سخنرانی
to be dedicated	وقف شدن	cornerstone	سنگ بنا
to enwourage	تشویق کردن	to produce	تولید کردن - ایجاد کردن
expounder	مبین	adjacent	همجوار
the Mystry of God	سز الله	exemplar	نمونه

Shoghi Effendi

orphan	یتیم	unerring	مصون از خطا
wicked	پست - شرور	to carry ait	انجام دادن
the Will and Testament	الواح وصایا	breach	شکاف - شکست
pearl	مروارید - گوهر	grandson	نوه
sorging	خروشان	to gleam out	درخشیدن
height	ارتفاع	helm	اداره
desire	میل - تمایل	globe	کره زمین
task	وظیفه	crushing	خردکننده
promotion	پیشرفت	step	قدم
to settle	ساکن شدن	instruction	دستورالعمل
to purchase	خریداری کردن	territory	اقلیم
relic	آثار مبارکه	stage	مرحله
Custodian	حارس	Hands of the Cause	ایادیان امرالله
to elect	انتخاب کردن	milestone	نقطه برجسته - مرحله خطیر
to celebrate	جشن گرفتن - بزرگداشت	infallible	مصون از خطا

conspicuous

توضیح ناپاکی

bouquet

بسته گل

tremendous

حیرت آور

Some of the Teachings and Principles

Oneness of mankind

to kindle

برافروختن

education

تحصیلات

to counsellor

وصیت کردن

tabernacle

سراپرده

hatred

تنفر

maturity

بلوغ

Removal of Prejudice

cling

تمسک کردن

racial

نژادی

notives

انگیزه

blossom

شکوفه

terrestrial

ارضی - زمینی

patriotic

وطن پرستی

rapacity

غار تگری

frontier

مرز

restricted

محدود

conception

مفهوم

sane

عاقل

tomb

گور

ferocias

درنده

dove

پرستو

combative

جنگجو

unsociable

غیر اجتماعی

Search after Truth

window pane

قاب پنجره

imitation

تقلید

nomendature

القاب

to inherit

ارث بردن

lantern

فانوس

source

منبع

beneficial

سودمند

to partake

بهره گرفتن

to be sanctioned

تأیید شدن

luscious

لذیذ

deprivation

محرومیت

verity

واقعیت

reconciliation

سازگاری

strife

نزاع

to obswre

از نظر پنهان کردن

superstion

خرافات

dissensions

اختلاف

apparent

آشکار

dogmas

عقاید دینی

rites

شعائر مذهبی

negligent	غافل	counterfeit	تقلید
submily	تعالی	bereft	
to resuscitate	احیا کردن	degradation	تنزل
liev	در عوض	hereditary	موروثی
horizon	افق	decline	نزول

Universal Language

native	محلی - بومی	stranger	غریبه - بیگانه
to be adopted	پذیرفته شدن	conflict	تضاد

Equality Between Men and Women

pigeon	کبوتر	feather	پر
absolute	کامل	couple	زوج - جفت
advantage	امتیاز	species	نوع - گونه
inferier	زیر دست	superiority	برتری
estimation	معیار	privilege	امتیاز
deeds	اعمال	complement	مکمل
bounty	فضل	purity	پاکی و خلوص
assembly	محفلی	talent	استعداد
excel	برتر بودن	philanthropy	بشردوستانه

Universal Education

incumbent	فرض و واجب	decreed	حکم شده
devolve	واگذار شدن	trustees	امناء
compulsory	اجباری	asylum	پناه
fund	وجه - سرمایه	binding	ملزم
cattle	گله	honour	افتخار
priority	ارجحیت	pasture	چراگاه
to engrave	نقش بستن	loyal	وفادار
threat	انذار	caste	نژاد

mantle	ردا	to prevent	ممانعت کردن
emancipated	آزاد شدن	clutch	چنگ زدن
exigencies	مقتضیات	captivity	اسارت
mere	صیرف	ascending	صعود
prosperity	رفاه	treasury	گنج
		exultation	سرور

Religion and Science Must Work Together

invention	اختراع	discovery	اکتشاف
tools	وسایل	disease	بیماری
sickle	داس	axe	تبر
weapon	سلاح	murderer	قاتل
quotation	بیان	to conclude	نتیجه گرفتن
conformity	هماهنگی	opposition	مخالفت - اختلاف
		struggle	جدال

Extremes of Wealth and Poverty Must End

starve	از گرسنگی مردن	circumstance	موقعیت
crust	نان خشک	dainty	اعلاء
fur	خز	velvet	مخمل
remedied	بهبود	tin	کتان
tyranny	ستم و ظلم	lamentably	بطور تأسف باری
to alter	تغییر دادن	bestir	اقدام کردن
grinding	سخت	misery	بینوایی
voluntary	داوطلبانه	expect	انتظار داشتن
to beg	گدایی کردن	coercion	زور و اجبار
ramment	شائبه	envy	حسادت کردن
dominion	ملکوت	lingers	باقی ماندن
in no wise	هرگز	malice	بدی - کینه
resignation	تسلیم و توکل	content	رضا - خشنودی

imperishable	بی زوال	to be hindered	منع شدن
dweller	ساکن	splendor	نور
baseness	ذلت	loftiness	تعالی
holde	شریف	affluence	وفور نعمت
		clay	خاک رُس

Happiness

celestial	الهی	to haste	شتافتن
to gaze	نگریستن	habitation	مکان - منزل
monarch	سلطان	longing	مشتاق
elation	سرفرازی - افتخار	arrayed	آراسته
grieve	غم خوردن	summon	فرا خواندن
ecstasy	وجد - خلسه - حظ	alleviation	خفیف
dumb	گنگ - لال	acquisition	اكتساب
		blind	کور

Immortality

nightingale	بلبل	to veil	محتجب کردن
bar	میله	glimpse	نگاه - نظر
meadow	مزرعه	to soar	اوج گرفتن
survival	بقا	immortality	ابدیت - فنا ناپذیری
		sovereign	سلطنت

Heaven and Hell

harvest	درو	pest	آفت
crop	غله	to sow	بذر پاشی - کاشتن
punishment	مجازات	reward	مکافات
parable	تمثیل	to take revenge	انتقام گرفتن
to illustrate	نشان دادن	torture	شکنجه
heaven	بهشت	hell	جهنم

womb	رحم	sinner	گناهکار
responsible	مسؤول	limb	دست و پا
gleaming	درخشان - منیر	fount	منبع - سرچشمه
grace	فضل	to nurture	غذا دادن
bestowal	عطایا	favour	لطف و عنایت

Miracles

to oppose	مخالفت کردن	miracle	معجزه
to conquere	فتح کردن	insignificant	بی اهمیت
magician	جادوگر	civilization	تمدن
convincing	قانع کننده	to reced	عقب رفتن
prescription	تجویز	physician	طیب
incident	اتفاق	ailment	بیماری
whim	هوی و هوس	to denounce	متهم کردن - انکار کردن
		to deny	انکار کردن

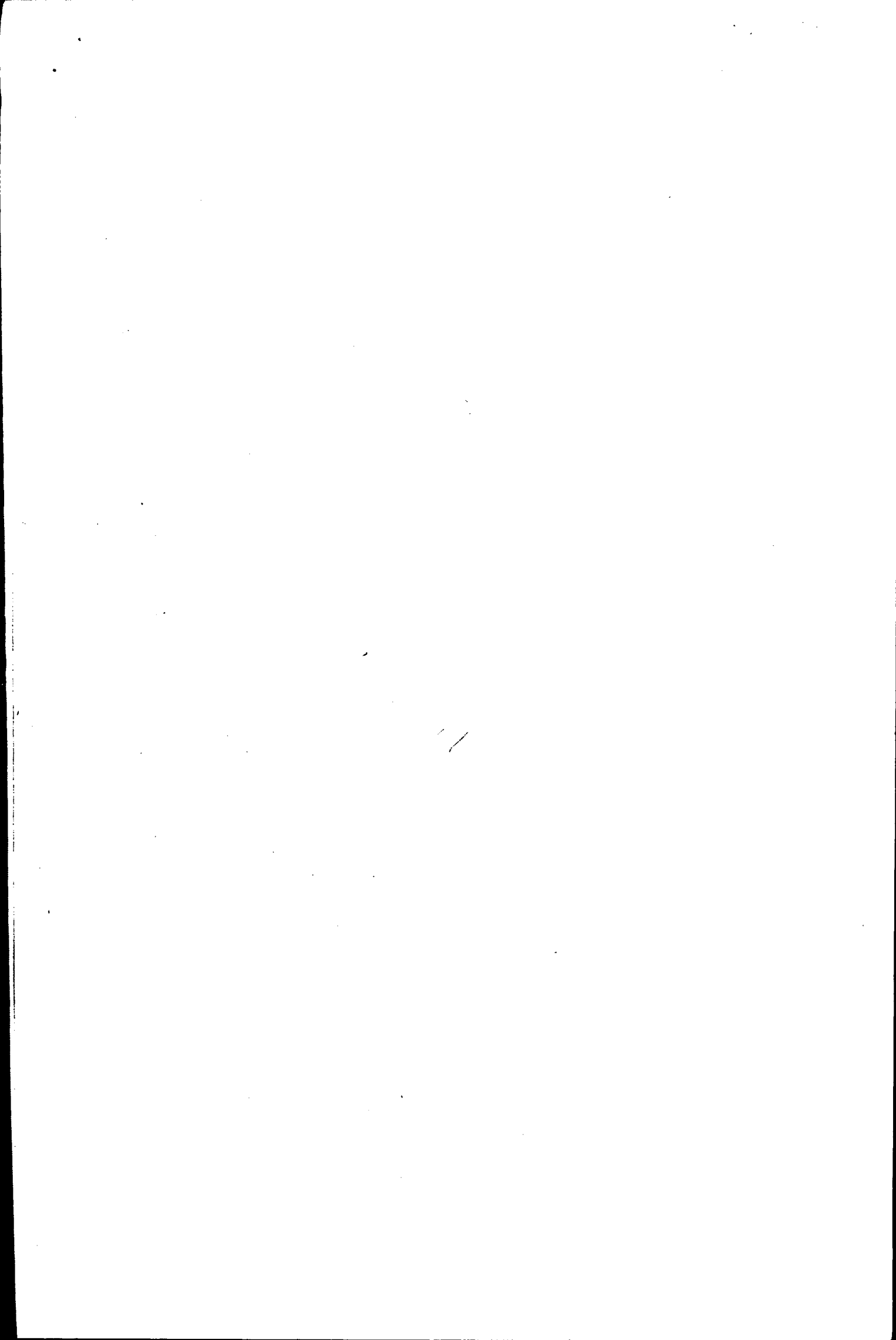
Moral and Ethical Teachings

moral	اخلاق	principle	اصل
to compile	جمع کردن	pattern	الگو
adversity	بدبختی	to immerse	غوطه دادن
sanctily	تقدس	admonisher	مشاور - منذر
meekness	تواضع	pledge	پیمان
victim	قربانی	distressed	دل‌تنگ - محزون
integrity	راستی - درستی	oppression	ستم
fugitive	آواره	balm	مرهم
ornament	زینت	erring	گمراه
brow	کمان	countenance	طلعت - وجه
dew	شبنم - باران کم	fidelity	وفا
diadem	اکلیل - تاج	ark	سفینه - کشتی
transgress	تجاوز - تخطی	firmament	سماء

charity

امور خیریه

تذکر: صفحات ۹۴ - ۹۲ حذف شده است.



Glossary

The New Garden

قسمت دوم - تا مقطع پایان ترم

Administration

Religion without priest

affairs	امور	to be in charge of	مسئول چیزی بودن
illiterate	بیسواد	ordinary	معمولی
observe	رعایت کردن	proper	درست و حسابی - کامل
priesthood	کشیشی	Brahmins	برهمنیان
call upon	امر کردن	distinction	وجه تمایز
case	وضعیت	search after truth	تحرزی حقیقت
instructions	دستورات - دستورالعمل ها	expect	انتظار داشتن
as	همچنان که	clergymen	روحانیون
grace	لطف و رحمت	ask for	طلب کردن
man - made	مصنوعی	forgiveness	بخشش - عفو
establish	ایجاد کردن	rituals	آداب - تشریفات
through	از طریق	contact	ارتباط
required	لازم - ضروری	medium	واسطه
due to	ناشی از - به علت	harm	صدمه - اذیت و آزار
brought	موجب شد - به وجود آورد	disagreement	عدم توافق
(bring گذشته و اسم مفعول)		a great deal	فراوان
to be right	راست گفتن - برحق بودن	trouble	مشکل - گرفتاری
divisions	اختلافات - تفرقه ها	view	نظر
gradually	بتدریج	arcuse (arise گذشته)	برخاست - پدید آمد
quarrel	جنگیدن	sects	فرقه ها
interpretations	تعبیر - تفاسیر	over	بر سر - در مورد
bloodshed	خونریزی	sacred writings	آثار مقدسه ادیان الهی
form	تشکیل دادن	personalities	شخصیتها - اشخاص
equal	مساوی - یکسان	following (n)	پیروان - هواداران

teachings	تعالیم	interpret	تفسیر کردن - تعبیر کردن
authority	صلاحیت - اختیار - اجازه	Writings	آثار حضرت بهاءالله
insincere	ریاکار - دورو	to earn a living	امرار معاش کردن
misled (mislead)	گمراه کرد (گذشته)	income	درآمد
commit a crime	مرتکب جرم شدن	garb	لیاس
selfish	خودخواهانه	serve	خدمت کردن
misuse	سوء استفاده کردن	abolish	برچیدن
previous	گذشته - قبلی	worldly	دنیوی
sacrifice	فدا کردن	oppose	مخالفت کردن
wealth	ثروت	position	مقام و موقعیت
uproot	ریشه کن کردن	comfort	رفاه و آسایش
crucify	به صلیب کشیدن	push	مجبور کردن - با اصرار وادار
martyr	شهید کردن		(به کاری) کردن
chiefly	عمدتاً	suffer	رنج بردن
exceptions	استثنائات	instigate	تحریک کردن
remain	باقی ماندن	no longer	دیگر
livelihood	معاش	humble	متواضع - فروتن
lay down	پایه گذاری - بنیان نهادن	mingie	مخلوط کردن - آمیختن
wonderful	شگفت انگیز	foundation	پایه و اساس
spiritual	روحانی	progress	پیشرفت
divine	الهی	welfare	رفاه
		origin	اصل - ریشه

What is Baha'i Administration?

various	مختلف	stretch	قطعه - تکه
sufficient	کافی	dig	کنندن
lastly	سرانجام	irrigate	آبیاری کردن
stream	چشمه	require	لازم داشتن
scatter	پراکنده شدن	pour	جاری شدن
handful	مشتی	fountainhead	سرچشمه

zeal	اشتیاق	strength	قوا - توانایی
network	بشکه	entrust	تفویض کردن
proclaim	اعلان کردن	existence	هستی - وجود
render thanks	شکرگزاری	gaze	نظر
divine plan	نقشه الهی	draft	طرح کردن - طرح مقدماتی
details	جزئیات		چیزی را تهیه کردن
life long	مادام العمر - همیشگی - دیرین	constriction	ایجاد - بنا
build up	ساختن	effort	سعی و تلاش
far - flung	وسیع - دور دست	join ... together	به هم پیوند دادن
destined	مقدر	unified	متحد
connect	مربوط - مرتبط	composed	مرکب - متشکل
elect	انتخاب کردن	consist	تشکیل شدن از - شامل (چیزی) بودن
guidance	هدایت	Supreme House of Justice	بیت العدل اعظم الهی
flow out	جریان یافتن	duty	وظیفه
responsibility	مسئولیت	separately	جداگانه
quite clear	کاملاً واضح	divorce	جدا کردن
accept	پذیرفتن	Message of God	پیام الهی
illustrate	روشن کردن	grains	دانه‌ها
corn	ذرت	significance	اهمیت
profit	سود و فایده رساندن	berefit	نفع - سود
lie	قرار داشتن	strengthen	تقویت کردن
depend	متکی بودن		

Election of a Spiritual Assembly

ordain	امر کردن	assembly	محفل
belong	تعلق داشتن	local community	جامعه محلی
wish	خواستن - آرزو کردن	suppose	فرض کردن
announce	اظهار امر کردن - اعلان کردن	anniversary	سالگرد
festival	جشن	The Promised One of all ages	موعود
vote	رای دادن		جميع اعصار (حضرت بهاء الله)

choose	انتخاب کردن - برگزیدن	instance	مثال
consider	در نظر گرفتن - فکر کردن	write down	نوشتن
valid	معتبر	worthy	لایق - شایسته
wealth	ثروت	mention	ذکر کردن
sincerity	صداقت - خلوص نیت	reward	پاداش دادن
ability	توانایی	devotion	ایمان
qualities	تواناییها	character	شخصیت
recommend	توصیه کردن - معرفی کردن	permitted	مجاز
no matter	صرف نظر از اینکه ...	membership	عضویت
nominate	نامزد (مقامی) کردن	forbid	منع کردن
to intend	قصد داشتن	draw attention	جلب توجه کردن
seek	جُستن	consult	مشورت
influence	تأثیر کردن	assistance	کمک - مدد و یاری
trusted	قابل اعتماد - معتمد	allow	اجازه دادن
start	آغاز کردن	proceed	اقدام و مبادرت کردن
bless	(از موهبتی) برخوردار کردن	meeting	جلسه
collect	جمع آوری کردن	task	وظیفه - کار
fellow believers	همکیشان - همدینان	ballots	برگه های رأی گیری - آراء
		process	جریان - امر - رَوَند

Duties of a Local Spiritual Assembly

behave	شایسته است	regarding	در باره - راجع به
guardians	حامیان - حارسان	regard	در نظر گرفتن
interests	مصالح	incumbent	واجب - فرض - لازم
beware	مراقب باشید! - بر حذر باشید!	seemly	شایسته
revealed	وحی شده - بیان شده - آشکار شده	lest	مبادا
source	منشاء	perceive	درک کردن
make sure	مطمئن شدن	bounty	موهبت - بخشش
amity	دوستی - الفت	promot	ترویج
remove	برطرف کردن	differences	اختلافات

Fund	صندوق	orphan	یتیم
contributions	تبرعات - اعانات	voluntary	داوطلبانه
enrich	غنی کردن - برابر کردن	utilize	استفاده کردن
education	تعلیم و تربیت	aid	کمک
enlightenment	روشن بینی - تنور فکر	means	اسباب - وسایل
supervise	نظارت کردن	organize	سازمان دهی کردن
arrangements	تدارکات - قرارها	undertake	به عهده گرفتن
intellectual	معنوی - عقلی	regular	منظم و مرتب - عادی
discharge	انجام دادن	functions	وظایف

Officers of The Spiritual Assembly

receive	دریافت کردن	officers	اعضاء هیأت رئیسه
temporary	موقت	hold	منعقد کردن
vice - chairman	نایب رئیس	chairman	رئیس
conduct	اداره کردن	treasurer	امین صندوق
views	نظرات	disperse	پراکنده شدن
subject	موضوع	discussion	بحث
deal	پرداختن به	ensure	مطمئن شدن
record	ثبت - یادداشت	keep	نگهداری - حفظ
through	از طریق	accomplish	انجام دادن - به نتیجه رساندن
receipt	رسید	to be in touch with	در تماس بودن با ...
capable	قابل - قادر - توانا	merit	قابلیت - توانایی - امتیاز
apply	به کار گرفتن	assigned	تعیین شده - محول شده
propaganda	پارتی بازی	carry out	انجام دادن
standing	مقام - موقعیت	sake	خاطر
on the other hand	از طرف دیگر	unless	مگر اینکه
well	چاه	dig	کندن
entrust	واگذار کردن	headman	کدخدا
lose	از دست دادن	purpose	مقصود - منظور
humility	تواضع و فروتنی	cooperation	همکاری

candour	صداقت	endeavour	جهد و کوشش
genuine	حقیقی	modesty	تواضع - اعتدال

The Spiritual Assembly at work I

refresh	تجدید قوا کردن	appoint	مشخص کردن
request	تقاضا کردن	platform	سکو
hand out	توزیع کردن	suited	مناسب - شایسته
adjourn	تعطیل کردن	procedure	کار - روال
morrow	آینده - فردا	proposal	پیشنهاد

Consultation

convention	انجمن شور	consultation	مشورت
truthfulness	صداقت - راستگویی	committee	کمیسیون
supress	سرکوب کردن	effort	سعی و کوشش
motives	انگیزه‌ها - نیت‌ها	selfish	خودخواهانه
statements	اظهارات - بیانات	unfair	غیرمنصفانه
insincerity	ریاکاری - دورویی	trace	نشانه - رد
absolute	مطلق - بی قید و شرط	express	اظهار کردن - بیان کردن
forget	فراموش کردن	freedom	آزادی
relationship	رابطه - ارتباط	personal	شخصی
respect	احترام گذاشتن	individuals	افراد
interfere	تداخل کردن - اختلال ایجاد کردن	take part	شرکت کردن
honesty	صداقت	otherwise	در غیر این صورت - به غیر از این
petty	کم اهمیت - پیش پا افتاده	please	خوشحال کردن
creep	رخنه کردن - خزیدن	grudges	کینه‌ها - دلخوری‌ها
to take great care	بسیار مراقب بودن - توجه فراوان کردن	acquaintance	آشنا
presence	حضور	incident	اتفاق
insist on	اصرار ورزیدن بر	prejudice	تحت تأثیر قرار دادن - دچار تعصب کردن
will	خواست - اراده	impose	اعمال - تنفیذ

achieve	رسیدن	quarrel	دعوا کردن
manner	روش - طرز	solve	حل کردن
majority	اکثریت	opinion	نظر
against	برخلاف - بر علیه	once	وقتی که - زمانی که
to try ones best	نهایت سعی خود را کردن	put aside	کنار گذاشتن
necessity	ضرورت - نیاز	vital	ضروری - بسیار مهم
essential	ضروری	obedience	اطاعت
counsel	مشورت کردن	obligatory	واجب - فرض
ill - feeling	رنجش - ناخشنودی	occasion	فرصت - مجال
arise	به وجود آمدن	discord	اختلاف
argument	دلیل - برهان	attain	به دست آوردن
on no account	به هیچ وجه	oppose	مخالفت کردن
the shining spark of truth		feel hurt	رنجیدن
	شعاع ساطعه حقیقت	clash	تصادم
unanimously	به اتفاق آراء	differing	مختلف
prevail	حاکم بودن - غالب شدن	Lord forbid	خدای ناخواسته - معاذالله
delicious	خوشمزه	ingredients	عناصر - اجزاء
boil	جوشاندن	stew	خوراک
contribute	تأثیر گذاشتن - مؤثر بودن	blend	مخلوط کردن
separately	بطور جداگانه	taste	طعم
ultimate	نهایی	offer	پیشنهاد کردن - مطرح کردن
prime	اولیه	derived	حاصله - به دست آمده
purity	پاکی - طهارت - خلوص	requisite	لازم - ضروری
detachment	انقطاع	radiance	نورانیت
Divine Fragrance	نفحات الله	attraction	انجذاب
lowliness	فروتنی	humility	خضوع و خشوع
long suffering	صبر و شکیبایی	patience	صبر
Exalted	رفیع	servitude	عبودیت
graciously	با مهربانی - از سر لطف	threshold	درگاه - آستان
attributes	خصائل - صفات	acquire	کسب کردن - به دست آوردن

unseen	غیب - پنهان	victory	فتح و پیروزی
vouchsafe	اعطاء کردن	Kingdom of Baha	ملکوت ابهی
wholly	کلاً	harmony	هماهنگی
manifest	آشکار کردن	estrangement	بیگانگی
orchard	گلستان - باغ	rays	اشعه‌ها
courtesy	ادب	utmost	حداکثر
moderation	ملایمت	dignity	وقار - متانت
persistence	اصرار - پافشاری	stubbornness	لجاجت - سرسختی
remain	باقی ماندن	wrangling	مشاجره - نزاع
honour	محترم	hidden	پنهان
permissible	مجاز	in no wise	به هیچ وجه
obey	اطاعت کردن	be little	تحقیر کردن
object	اعتراض کردن - مخالفت	submit	تسلیم شدن
criticism	انتقاد	censure	انتقاد کردن
enforce	به اجزاء در آوردن - تقویت و تحکیم	prevent	ممانعت
coolness	برودت - سردی	least	آدنی
confined	محدود	alienation	بیگانگی
training	تربیت	pertain	مربوط بودن
instraction	تعلیم - آموزش	souls	نفوس
the feeble	ضعفا	relief	آسایش
exaltation	ستایش - تمجید	diffusion	نشر
Grace of the Holy Spirit	فیض روح القدس	fulfil	واصل شدن - احراز کردن
hosts	جنود	center	مرکز
e'ffusion	فوران	confirmation	تأیید

The Spiritual Assembly at work II

approve	تأیید کردن	opening prayer	مناجات شروع
spread	انتشار	'minuts	خلاصه مذاکرات
teaching activities	فعالیت‌های تبلیغی	summarise	خلاصه کردن
undertaking	تکلیف - وظیفه - کار	neighbouring	مجاور - نزدیک

second	تأیید کردن	participate	شرکت کردن
in favour of	موافق چیزی بودن	to put the suggestion to vote	پیشنهاد را به رأی گذاشتن
to set on example	الگو قرار دادن	promise	قول دادن
congratulate	تبریک گفتن	generous	سخاوتمندانه
donation	کمک	particularly	بالاخص - بخصوص
originally	در ابتدا - بدو	pass	تصویب کردن
support	حمایت	resolution	تصمیم
revert	برگشتن	come to the conclusion	به نتیجه رسیدن
suitable	مناسب	accompany	همراهی کردن
teaching tours	سفرهای تبلیغی	public	عمومی
relatives	اقوام و بستگان	nearby	مجاور - نزدیک
plans	نقشه‌ها	joyful	مسرور
assist	کمک	necessarily	الزاماً

The Spiritual Assembly at work (In The Nineteen - Day Feast) III

present	حاضر	attend	حضور یافتن
founds	تبرعات - اعانات	inform	مطلع کردن
fare	کرایه	wheat	گندم
besides	علاوه بر	dedicate	وقف کردن - اختصاص دادن
country fairs	نمایشگاههای محلی - بازارهای مکاره محلی	draw attention	جلب توجه کردن
economize	صرفه جویی کردن	distri'bution	توزیع - پخش
entertainment	تنفس و پذیرایی	valuable	ارزشمند
join together	دور هم جمع شدن	communicate	منتقل کردن - اظهار کردن
recite	از حفظ خواندن	period	موقع - مدت
clozing prayer	مناجات خاتمه	provide	تهیه کردن
		memorize	از حفظ کردن

Some Points On The 19 - Day Feast

mysteries	اسرار	outwardly	در ظاهر
-----------	-------	-----------	---------

object	هدف	dispose	آشکار شدن
recip'rocity	رابطه متقابل	concord	هماهنگی
consist	شامل بودن	mutual	متقابل
administrative	اداری	de'votional	روحانی
to voice	بیان کردن	pledges	تعهدات
dates	تاریخها	according to	طبق
specific	مخصوص	calender	تقویم
chant	تلاوت کردن	remind	یادآوری کردن
snacks	غذاهای حاضری - تنقلات	host	میزبان
preferable	مرجع	refreshment	خوردنی و آشامیدنی
development	رشد و توسعه	plain	ساده
collaboration	همکاری - مشارکت	increase	ازدیاد
concern	مربوط بودن	avoid	اجتناب کردن
adduce	إقامه کردن	proofs	ادله و براهین
array	آراستن	creatures	مخلوقات
meekness	بردباری - ملایمت	cleanliness	طهارت
silent	ساکت	tablets	الواح
permission	اجازه	satisfaction	رضایت
fluency	فصاحت - روانی	eloquence	فصاحت و بلاغت
solution	راه حل	except	بجز
fill out	پُر کردن	wisdom	حکمت
mobile	ستار	farther	از این گذشته
supervision	نظارت	amount	مقدار - مبلغ
declarative	بیانیه - اعلامیه	quantity	مقدار
		progress	پیشرفت

National Spiritual Assembly

basic	اساسی	body	هیأت
mention	اشاره کردن	rules	قوانین
nomination	نامزد کردن - معرفی	prior	پیشین - قبلی

encourage	تشویق	throughout	در سراسر
circulars	ابلاغیه‌ها - اعلامیه‌ها	to keep in touch	در تماس بودن
delibe'rations	مذاکرات	go through	بررسی
appoint	انتصاب	correspond	مکاتبه
construction	احداث - ساختن	details	جزئیات
highest	بالاترین	modify	تعدیل - اصلاح
		authority	مرجع

Convention

'delegates	نمایندگان	indirect	غیر مستقیم
where as	در حالی که	representatives	نمایندگان
situated	قرار گرفته - واقع	allocate	تقسیم کردن
vacancy	کار - شغل	opportunity	فرصت
dissolve	منحل شدن	permanent	دائمی
supremacy	برتری	consultative	مشورتی

The Universal House of Justice

assure	مطمئن ساختن	unique	بی نظیر
fundamental	اساسی	Dispensation	دور بهایی - دین
changing	متغیر	set down	وضع کردن
un'erring	بدون خطا	regulations	مقررات - قوانین
inspired	ملهم	guidance	هدایت
extremes li	افراط و تفریط	principles	اصول
poverty	فقر	wealth	ثروت
pay	پرداختن	tax	مالیات
ta'xation	مالیات بندی	work out	به کار گرفتن
accumulate	جمع کردن - اندوختن	comfortable	راحت
choose	انتخاب کردن	Epistle	لوح
originate	ایجاد - به وجود آوردن	existing	موجود
common	مشترک - عمومی	adopt	اختیار کردن

land	سرزمین	even	حتی
alter	تغییر دادن	although	اگرچه
in no doubt	بی شک - بدون تردید	circumstances	شرایط
thereform	از آن	deviate	منحرف شدن
malice	غرض - بدخواهی	verily	به درستی که
ministry	ولایت - رسالت	labours	زحمات
dome	گنبد - قبه	pave	هموار کردن راه
pillar	ستون	strong	محکم
Ten - Year Plan	نقشه دهساله	ceaseless	مداوم - بی وقفه
fulfill	به تحقق رسیدن	foretold	پیشگویی کرد

Some important Points about the Baha'i Administration

appeal	تقاضا کردن	obedience	اطاعت
attitude	طرز فکر - نگرش	re - consider	تجدیدنظر کردن
loyalty	وفاداری	safeguard	حفظ کردن
resign	استعفا دادن	regardless	صرفنظر
privilege	امتیاز	residence	محل سکونت
impartial	منصف - بی طرف	willingly	با طیب خاطر - با میل و رغبت
rights	حقوق	leadership	رهبری
		abide	اطاعت کردن

Baha'i Temples

worship	عبادت	temple	مشرق الاذکار - معبد
creed	آیین - کیش	caste	طبقه - مقام اجتماعی
structure	بنا - ساختار	roof	سقف
gate	دروازه	nine - sided	نه وجهی
major	اصلی	symbolize	مظهر (چیزی) بودن -
equality	تساوی		دلالت داشتن به
humanitarian	انسان دوستانه	merely	صرفاً
pathway	راه	orphanage	یتیمخانه - دارالایتام

acquire	صاحب شدن - تملک	continent	قاره
---------	-----------------	-----------	------

The Baha'i Fund

wash away	سیل بردن	flood	سیل
homeless	بی خانمان	shelter	پناه
share	سهم	forward	جلو
load	بار	kart	گاری
caught	گرفتار	sam	مبلغ
calamities	مصائب	tempest	طوفان
peace	صلح	refuge	پناه
strive	سعی و تلاش	happiness	سرور
oblige	مجبور کردن	publish	منتشر کردن
deprive	محروم کردن	obligation	فریضه
glorious	باشکوه	long	مشتاق بودن
agriculture	کشاورزی	commerce	تجارت
bless	برکت دادن - زیاد کردن	industry	صنعت
confirm	تأیید رساندن	'tenfold	ده برابر

Some of the laws & obligations

Cleanliness

re'fined	خالص	essence	جوهر
allowable	مجاز	immerse	غوطهور شدن
Paradise	فردوس	desire	خواستن - آرزو کردن
healthy	سالم	favoured	عزیز - مورد علاقه
diseases	بیماریها	affected	مبتلا - متأثر
endanger	به خطر انداختن	dirty	کثیف
external	ظاهره	trouble	بیماری - مشکل
		spotless	بی لکه

Prayer

impulse	میل	aware	آگاه
compulsory	اجباری	grow	رشد کردن
neglect	بی توجهی کردن - بی اعتنائی کردن	chant	تلاوت
turn away	اعراض - روی گرداندن	Covenant	عهد
Omnipotent	قیوم	proud	مغرور
overtake	غلبه کردن	measure	قدر - اندازه
depression	حزن - افسردگی	fatigue	خستگی
'languor	ملال	exhaustion	خستگی
wings	اجنحه - بالها	soar	پرواز کردن
treat	تلقی کردن	Dawning - place	مشرق - مطلع
rituals	مراسم - تشریفات	sort	نوع - جور
meritorious	ارزشمند - شایسته	ceremony	مراسم
sight	نظر	deed	کامل
salvation	نجات - رستگاری	reward	پاداش دادن
imitate	تقلید کردن	blindly	کور کورانه
burden	حمل کردن	warn	بر حذر داشتن
inspiring	الهام بخش	meditate	تمرکز کردن
upliftment	نشاط - تعالی	experience	تجربه کردن
highest prayer	نماز کبیر	select	انتخاب کردن
commemoration	ذکر	impossible	غیرممکن

Fasting

intercalary	زاید	fasting	صوم
feed	إطعام - غذا دادن	entertain	پذیرایی کردن - مهمان کردن
signify	دلالت داشتن بر	faithfulness	وفاداری
lust	هوی و هوس	abstinence	امساک - کف نفس
appetites	امیال - مشتیهات	abstain	پرهیز کردن - امساک
sect	گروه	self - appetites	امیال نفسانی
reduce	کاهش دادن	practice	عمل کردن - به کار بستن

fit	سالم - مناسب	intelligence	عقل
weakened	ضعیف	brain	مغز
con'venience	راحتی - آسایش	lack	فقدان
where by	که به آن - که به وسیله آن	beseech	تمنا - التماس
Frequented	دائمی	turn into	تبدیل شدن
Outspread	طومار	Fane	گشوده - باز
transcendent	لکه	Roll	متعالی
hinder	بد گمان - مشکوک	stain	منع کردن
fast	محکم - استوار	suspicious	خیمه
clung	متشبث	cord	ریسمان - حبل
mercy	بخشش - رحمت	hem	
good	خیر	ordain	مقدر کردن
supply	تأمین کردن - برآوردن	the world to come	عالم بعد
choicest	منتخبین	Gift	عطیه (الهی)
thee = you	تو	bidden (bid گذشته)	امر کرد
precepts	احکام	thy = your	(مال) تو
		celebrate	جشن گرفتن

Work is worship

beg	تکذبی - گدایی	sin	گناه
forbid	منع کردن	idle	عاطل و باطل - بیهوده - بیکار
engage	مشغول شدن	incumbent	فرض - واجب
trade	تجارت	occupation	شغل
reflect	تفکر	identical	معادل - مساوی
counted	محسوب	crafts	صنایع
forces	قوا	conscientiously	با وجدان کار - با جدیت
briefly	خلاصه کلام	give praise	ستایش کردن
minister	خدمت کردن	exertion	تلاش و زحمت - جهد
carpenter	نجار	till	زراعت کردن
stitch	دوختن	tailor	خیاط

skill	مهارت	garment	ردا - پیراهن
workshop	کارگاه	field	مزرعه
cave	غار	a'scetic	زاهد - مرتاض
monkhood	رهبانیت	penance	عذاب
tiresome	خسته کننده	is over	پایان یافته است
solitary	منزوی - تنها	denunciation of the world	ترک دنیا کردن
discipline	راه و روش - مقررات	sever	سخت
perception	درک و فهم	Dossessors	صاحبان
conductive	هادی	knowledge	دانش
superstition	وهم - خرافه	loin	مثلث
frequent	زیاد به جایی رفتن	womb	بطن
Hearken	گوش فرادهد!	tomb	قبر
abondon	ترک کردن - رها کردن	Oppressed One	مظلوم (حضرت بهاء الله)
indolence	کسالت	idleness	بطالت - بیهودگی
Profit	نفع رساندن	occupy	مشغول شدن
gleam	درخشیدن - اشراق	Utterance	بیان
cling	تشبث - چنگ زدن	the most despised	بدترین - ابغض
		Causer	مسبب (خداوند)

Teaching the Cause of God

medicine	دارو	deliver	ابلاغ - رساندن
immediate	سریع	cure	معالجه - درمان کردن
treasure	اندوختن	relief	رهایی
ailments	امراض - آلام	All-knowing	حکیم - دانا
despair	یأس	hatred	تنفر
indifferent	بی اعتنا	remedy	شفا - درمان
ailing	بیمار	surely	مطمئناً
bestow	ارزان داشتن	Message	پیام (امر الهی)
argue	بحث و مشاجره	impose	تحمیل کردن
day - spirings	مطالع	refuse	امتناع ورزیدن

defile	آلودن	Favour	رحمت
execrate	نفرت داشتن	curse	لعن - نفرین
rebuke	سرزنش کردن	attain	حاصل شدن
leave	واگذار کردن - ترک کردن	interfere	تعرض
strife	نزاع	Self - Subsistent	قیوم
shade	سایه	nurture	تربیت کردن
drops	قطره‌ها	leaves	برگها - اوراق
station	مقام	'serverance	انقطاع
perhaps	شاید	will	مشیت - اراده
encompass	احاطه کردن	precious	ارزشمند
negligent	غافل	instruments	اسباب - وسایل
ignorance	جهل	heavenly	آسمانی

Alcoholic Drinks are Prohibited

poison	مسموم کردن	distinguished	ممتاز - متمایز
altogether	بکلی	extent	حد - اندازه
get rid of	خلاصی از	habit	عادت
financial	مالی	harmful	مضر
tribal	قبیله‌ای	loss	ضرر - زیان
opium	افیون - تریاک	intoxicating drugs	مواد مخدر

Observing The Holy Days

martyrdom	شهادت	holy days	ایام متبرکه
Declaration	اظهار امر	ascention	صعود
exile	تبعید کردن	followers	پیروان
departure	عزیمت	grief	حزن و اندوه
sorrow	اندوه	bitter	سخت - اندوهبار
take step	قدم برداشتن	weigh	تأثیر کردن - متأثر ساختن
handmaids	اماء - خانمها	mourn	سوگواری
		realized	محقق - به تحقق رساندن

Marriage

wedlock	ازدواج	marriage	ازدواج
imprové	ترقی دادن	bring forth	به وجود آوردن
bride	عروس	consent	رضایت
alive	زنده	bridegroom	داماد
fix	مشخص کردن	parties	طرفین
verse	آیه	witness	شاهد بودن
The Most Holy Book	کتاب مستطاب اقدس	enjoine	امر کردن
betrothal	نامزدی	register	ثبت کردن
binding	وصلت - اتحاد	eternal	ابدی
everlasting	دائمی - ابدی	intentions	مقاصد - اهداف
performance	عمل	affinity	عُلقه - عشق
castomary	رسم	reunion	تجدید پیوند - دوباره متحد شدن
tribe	قبیله	vice versa	بالعکس
customs	رسوم	culture	فرهنگ
folk - dances	رقصهای محلی	dignity	عزت - شرف
composite	ترکیب - مرکب	folk - songs	آوازهای محلی
consort	معاشرت کردن	heritage	میراث
life - partner	شریک زندگی	animosity	عداوت
cult	کیش - آیین	under go	تن در دادن

Loyalty to Government

sub'versive	مخالف حکومت - مُنخل	re'frain	خودداری کردن از
well - wisher	خیرخواه	reside	اقامت کردن - ساکن بودن
uprightness	شرافت	'allegiance	حمایت - وفاداری
trustees	أمناء	treacherously	ریاکارانه
politics	سیاست	emblems	مظاهر
resources	امکانات - منابع	grudge	کینه - غرض
include	شامل بودن	build up	ساختن
straight	مستقیم	shortcomings	نواقص

order	نظم	incline	تمایل داشتن - انحراف
dimension	بُعد	scope	حوزه - میدان
movements	نهیضتها	conflicting	متغایره
affiliation	وابستگی - عضویت	dia'metrically	بکلی - صد در صد
divisive	تفرقه‌انگیز	fratrical	توأم با برادر کشی

How One becomes a Baha'i

sphere	قلمرو	denomination	نام - ارزش
onness	یگانگی	conviction	عقیده‌راسخ - ایمان
convinced	معتقد	moreover	به علاوه
usher	هدایت کردن	baptism	غسل تعمید
splendour	شکوه - درخشش	conversion	تغییر دین
realization	درک - فهم	sign	اعلان - اِصْغَاء
pledge	تعهد کردن	occur	رخ دادن
submerge	غوطه دادن - غوطه‌ور ساختن	endow	اعطاء کردن
cement	پیوند دادن - متحد کردن	aloft	پیوند دادن
brighten	روشن کن ا	gladden	مسرور کن ا
providence	عنایت خداوند	stronghold	حصن - قلعه
Forgiving	بخشنده	Mighty	مقتدر
		overlook	چشم پوشی کردن

- ۱۰۰ نص حضرت باب در باره نظم بدیع: "Well is it with him ... manifest." «طوبی لمن ينظر الى نظم بهاء الله»
- ۱۰۵ نص حضرت بهاء الله در باره وظایف محافل روحانی: «... و ينبغي لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين الامكان و وكلاء الله لمن على الارض كلها و يشاوروا في مصالح العباد لوجه الله كما يشاورون في امورهم و يختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربكم العزيز الغفار اياكم ان تدعوا ما هو المنصوص في اللوح اتقوا الله يا اولي الانظار» (کتاب مستطاب اقدس)
- ۱۰۶ بیان حضرت ولی امر الله در باره وظایف محافل روحانی: «از جمله فرائض، آن است که به تمام همت همواره بکوشند تا دست مساعدت به سوی فقرا و مرضی و عجزا و ایتام و اراامل از جمیع طوائف و اجناس و قبایل بگشایند...» (بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۰۳)
- ۱۰۷ بیان حضرت ولی امر الله در باره وظایف محافل روحانی: «از جمله فرائض توسل به جمیع وسایل ممکنه برای ترقی و پیشرفت جوانان در شؤون مادی و معنوی و تدارک و ساینط لازمه برای تربیت اطفال و تأسیس معاهد مؤسسات تربیتی در صورت امکان و اشراف بر امور این مؤسسات و تشبث به وسایل و اسباب فعاله جهت ترویج و پیشرفت مصالح آنان است.» (بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۰۳)
- ۱۰۷ بیان حضرت ولی امر الله در باره وظایف محافل روحانی: «از جمله فرائض، ترتیب و تمشیت محافل منظم ملاقاتی یاران و انعقاد احتفالات اعیاد و ایام متبرکه و اجتماعات مخصوص جهت ترویج و پیشرفت مصالح اجتماعی، علمی و روحانی جمهور ملت است.» (بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۰۴)
- ۱۰۷ نص حضرت بهاء الله در باره خصائل اعضاء محافل روحانی: «و ينبغي لهم ان يكونوا امناء الرحمن بين الامكان ... و يشاوروا في مصالح العباد لوجه الله ...» (کتاب اقدس)
- ۱۱۳ کلمات مکنونه: "O Headless Ones!" «ای غافلان! گمان مبرید که اسرار قلوب مستور است بلکه به یقین بدانید که به

خط جلی مسطور گشته و در پیشگاه حضور مشهود» (ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۴۵)

۱۱۵ بیان حضرت عبدالبهاء در باره مشورت :

«الیوم محفل شور را اهمیت عظیمه و لزومیت قویه بوده و بر جمیع اطاعت فرض و واجب ... باید به نوعی مذاکره و مشاوره کرد که اسباب کدورت و اختلافی فراهم نیاید و آن این است حین عقد مجلس هر یک به کمال حریت رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید. اگر دیگری مقاومت می کند ابدأ او مکدر نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است. در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد، فنعم المراد و اگر معاذالله اختلاف حاصل شود به اکثریت آراء قرار دهند. ...» (بهاءالله و عصر جدید، صص ۲۹۶ - ۲۹۵ / مکاتیب، جلد ۳، صص ۵۰۸ - ۵۰۶)

۱۱۶ بیان حضرت عبدالبهاء در باره خصائل اهل شور :

«اول فریضة اصحاب شور، خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از ماسوی الله و انجذاب به نفحات الله و خضوع و خشوع بین احباء و صبر و تحمل بر بلا و بندگی عتبه سامیه الهیه است و چون به این صفات موفق و مؤید گردند، نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید.» (بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۹۵)

«اول شرط محبت و الفت تام بین اعضاء آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و بیگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند زیرا امواج یک بحرند و قطرات یک نهر. نجوم یک افقند و اشعه یک شمس. درختان یک بوستانند و گلهای یک گلستان و اگر وحدت حال و بیگانگی بی ملال در میان نیاید، آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بی سر و سامان. شرط ثانی آن است که ... اعضاء در حین ورود توجه به ملکوت اعلی کنند و طلب تأیید از افق ابهی ... مذاکرات بتمامها محصور در امور روحانیه باشد که تعلق به اداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعانه فقرا و اعانه ضعیفاء جمیع فِرَق عالم و مهربانی با کل امم و نشر نفحات الله و تقدیس کلمه الله دارد. در این خصوص و اجراء این شروط چون همت نمایند، تأیید روح القدس رسد و آن مجمع مرکز سنوحات رحمانیه گردد و جنود توفیق هجوم کند و هر روز فتوحی جدید حاصل شود.» (بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۹۶ / مکاتیب، جلد ۳، صص ۵۰۶ تا ۵۰۸)

۱۲۶ بیان حضرت عبدالبهاء :

« و اما در محافل منعقدہ باید بکلی مکالمات خارجه واقع نگردد، بلکه مصاحبت محصور در ترنیل آیات و قرائت کلمات و اموری که راجع به امرالله است باشد، مثل بیان حُجَج و براهین و دلیل واضح مبین و آثار محبوب العالمین و نفوسی که در آن محفلند قبل از دخول باید به نهایت نظافت آراسته و توجه به ملکوتِ ابھی نموده در کمال خضوع و خشوع وارد گردند و در حین تلاوت، صمت و سکوت کنند و اگر نفسی مکالمه خواهد باید در نهایت خضوع به نطقی فصیح و بیانی بلیغ باشد. (بهاءالله و عصر جدید، صص ۲۰۹-۲۰۸)

۱۳۵ بیان حضرت بهاءالله در بارهٔ زبان و خط بین المللی :

«... از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل یک لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و یک خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم، اطفال را به آن تعلیم دهند تا عالم یک وطن و یک قطعه مشاهده شود.» (بهاءالله و عصر جدید، صص ۱۸۵-۱۸۴)

۱۳۵ بیان حضرت عبدالبهاء :

«... مرجع کل، کتاب اقدس و هر مسأله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مرادالله است. مَنْ تَجَاوَزَ عَنْهُ فَهُوَ مِمَّنْ أَحَبَّ الشَّقَاقَ وَ أَظْهَرَ النِّفَاقَ وَ اعْرَضَ عَنِ رَبِّ الْمِيثَاقِ» (الواح و صایا)

۱۴۵ بیان حضرت بهاءالله در بارهٔ پاکیزگی :

« کونوا عنصر اللطافة بین البرية ... تمسکوا باللطافة فی کل الاحوال ... علی شأن لا یری من ثیابکم آثار الاوساخ ... ادخلوا ماء بکرا و المستعمل منه لا یجوز الدخول فیہ ... انا اُردنا ان نریکم مظاهر الفردوس فی الارض لیتضوق منکم ما تفرح به افئدة المقربین» (کتاب اقدس و بهاءالله و عصر جدید، ص ۱۲۰)

۱۴۶ بیان حضرت عبدالبهاء در بارهٔ نظافت :

« نظافت ظاهره هر چند امری است جسمانی و لکن تأثیر شدید در روحانیات دارد ... مراد این است که پاکی و طهارت جسمانی نیز تأثیر در ارواح انسانی کند.» (بهاءالله و عصر جدید، ص ۱۲۵)

۱۴۶ بیان حضرت عبدالبهاء در بارهٔ دعا :

«اگر دوستی به دیگری محبت دارد، طبیعی است که آرزویش اظهار آن محبت است و با آنکه می‌داند دوستش از محبت او آگاه است، با وجود این میل دارد احساسات خویش را بیان کند... البته خدا از آرزوهای قلوب خبیر و علیم است ولی عواطفی که انسان را به مناجات با حق دلالت می‌کند از مقتضیات طبیعت است و ناشی از محبت انسان است به خداوند...» (بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۱۱۰)

بیان حضرت عبدالبهاء: ۱۴۶

«ما باید به لسان ملکوتی صحبت بداریم؛ یعنی به لسان روح زیرا یک لسان روح و قلب وجود دارد که با لسان عادی ما فرق بی‌منتهی دارد و فرق میان این دو مانند فرقی است که بین زبان ماست با زبان حیوان که فقط بانگ و غریو است اما لسانی که انسان با حق همراز و به راز و نیاز دمساز می‌گردد زبان روح است و هر وقت ما در حین مناجات از قیود عالم ناسوت آزاد شده توجه به حق کنیم گویی در آن حین ندای الهی را در قلب می‌شنویم، بدون الفاظ صحبت می‌کنیم؛ مخابره می‌نماییم؛ گفتگو با خدا می‌کنیم و جواب می‌شنویم... جمیع ما چون به چنین حالت روحانی واصل گردیم، ندای الهی را استماع کنیم.» (بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۱۰۴)

بیان حضرت بهاء‌الله: ۱۴۷

«اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء. ان الذی لم یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه و الذی اعرض عنها الیوم انه ممن اعرض عن الله فی ازل الازال. اتقن الله یا عبادى کلکم اجمعون. لاتغزنکم کثرة القراءة و الاعمال فی اللیل و النهار. لو یقرأ احد آية من الايات بالروح و الريحان خیر له من ان یتلوا بالکسالة صحف الله المهیمن القیوم. اتلوا آیات الله علی قدر لاتأخذکم الکسالة و الاحزان. لانحملوا علی الارواح ما یکسلها و یثقلها بل ما یخففها لتطیر باجنحة الايات الی مطلع البیتات هذا اقرب الی الله لو انتم تعقلون» (کتاب اقدس)

بیان حضرت عبدالبهاء: ۱۴۹

«... وقتی که انسان به مناجات می‌پردازد باید قصدش صرفاً به خاطر محبتی باشد که به خدا دارد نه از جهت خوف از او یا ترس از نار جهنم و نه به امید نعیم و جنت... وقتی که انسان مفتون حب دیگری گردد ممکن نیست از ذکر معشوقش سکون اختیار کند؛ پس چقدر دشوارتر است که انسانی مفتون خدا باشد و از ذکر

او دم فرو بندد ... شخص روحانی به هیچ چیز مسرت نیابد مگر به ذکر الهی»
(بهاء الله و عصر جدید، ص ۱۱۰)

بیان حضرت عبدالبهاء: ۱۵۰

«صیام رمزی است. صیام عبارت از اجتناب از مشتبهات نفسانی است. صیام جسمانی رمزی از آن است. سبب تذکر است؛ به این معنی که همان طور که انسان از غذاهای جسمانی امساک می کند، از مشتبهات و آمال نفسانی نیز باید اجتناب کند ولی تنها امساک از غذا اثر روحانی ندارد. این تنها یک رمز و تذکر است و الا اهمیتی ندارد. پس صیام عبارت از امساک تام از غذا نیست و بهترین ملاک برای غذا خوردن این است که شخص زیاده از حد و کمتر از احتیاج نخورد. اعتدال لازم است. در هندوستان جماعتی موجود است که به خود ریاضت می دهد و بتدریج از غذا کم می کند تا اینکه تقریباً به هیچ می رسد ولی به هوش آنها صدمه وارد می شود. شخص اگر مغز و جسمش بر اثر فقدان غذا ضعیف باشد، قادر نخواهد بود به آستان الهی خدمت کند و بخوبی نمی تواند ببیند.» (بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۰۷)

بیان حضرت بهاء الله در باره لزوم اشتغال به کار: ۱۵۲

«قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الصنایع و الاقتراف و امثالها و جعلنا اشتغالکم بها نفس العبادۃ لله الحق. تفکروا یا قوم فی رحمة الله و الطافه ثم اشکروه فی العشی و الاشراق» (کتاب اقدس)

بیان حضرت بهاء الله: ۱۵۴

«لانضیعوا اوقاتکم بالبطالة و الکسالة و اشتغلوا بما تنتفع به انفسکم و انفس غیرکم. كذلك قضی الامر فی هذا اللوح الذی لاحت من افقه شمس الحکمة و التبیان. ابغض الناس عندالله من یقعد و یطلب. تمسکوا بحبل الاسباب متوکلین علی الله مسبب الاسباب» (کتاب اقدس)

و نیز می فرمایند: ۱۵۴

«هر نفسی به صنعتی و یا به کسبی مشغول شود و عمل نماید، آن عمل نفس عبادت عندالله محسوب. ان هذا الا من فضله العظیم العمیم.» (بشارات - بشارت دوازدهم)

بیان حضرت بهاء الله: ۱۵۶